# 19- بررسی اجمالی برخی از قواعد مهم که به شکلی از مبانی اجتهاد متداول است.

## قاعده اول: لکلِ واقعهٍ حکمٌ شرعیّ

قاعده «**لکلِ واقعةٍ حکمٌ شرعیّ**» قاعده‌ای مهم و بنیادی است با این ادعا که تمام رفتارهای اختیاری، دارای یک حکم شرعی متناسب با آن است.

## قاعده دوم: بقاء ابدی احکام الهی

با توجه به خاتمیت دین که یک مبحث کلامی است و اینکه دین مبتنی بر احکام است، احکام ابلاغ‌شده الهی تا روز قیامت ماندگار هستند و نسخ نمی‌شوند.

### نسخ

باید توجه داشت که اجمالاً نسخ وجود دارد و قابل نفی نیست لکن باید حدود آن مشخص شود.

### اصل بقاء احکام

اصل، بقاء احکام است و نسخ یک پدیده استثنائی است که نیاز به دلیل خاص دارد و دلیل بر بقاء احکام علاوه بر دسته‌ای از روایات که دلالت بر اصل بقاء دین دارد، دسته دیگر از اخبار دلالت بر خصوص بقاء احکام دارد مانند: **«حَلَالُ‏ مُحَمَّدٍ حَلَالٌ أَبَداً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَداً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ**».[[1]](#footnote-1)

### اصل بقاء احکام و تطورات موضوعی

البته باید توجه داشت تطورات موضوعی کثیراً ما رخ می‌دهد و این صدمه‌ای به اصل بقاء احکام نمی‌زند.

مراد از احکام در این مجال نیز، احکام ابلاغی تدریجی است؛ خواه در عصر رسول‌الله (ص) باشد و یا در عصر ائمه (ع).

## قاعده سوم: اصالة المولویّة

**قاعده اصالة المولویّة** : اصالة المولویّة، قانون گذاری از موضع شرعی است که ثمره آن هم استحقاق و عدم استحقاق ثواب است.

گرچه بحث تقسیم احکام به مولوی و ارشادی در مباحث اصولی مطرح‌ شده است؛ لکن به دو دلیل بحث از آن در مقدمات مبحث اجتهاد، حائز اهمیت است:

1. آن‌چنان‌که بایسته است مبحث اصولی مرتبط، استیعاب ندارد؛
2. نقش مهم و تعیین‌کننده این قاعده

اصل در بیانات شرعی که متلقی به قبول است، بر مولویت آن است و برای اثبات این اصل باید به روایات مرتبط متمسّک شد.

مقابل این اصل، ارشادی بودن احکام است و اینکه احکام هیچ درون‌مایه‌ای که منجر به ثواب و عقاب شود ندارد. خواه ارشاد به‌حکم عقلی باشد که مجال اعمال مولویت ندارد، خواه ارشاد به ‌حکم عقلی باشد که مجرای سیره عقلاء است، خواه ارشاد به احکام عرفیه باشد، هیچ تفاوتی ندارد.

**نکته** : اینکه اصالة المولویّة اختصاص به اقوال معصومین (ع) دارد یا در سیره و تقریر آن‌ها نیز جریان دارد، قابل‌تأمل است.



1. **- الكافي (ط - الإسلامية) ، ج‏1، باب البدع و الرأي و المقاييس ، ص: 54** [↑](#footnote-ref-1)